

فساد – شناسنامه رژیم حاکم

نوشته قدوس زیریر

فساد یکی از دشواری های بزرگ اجتماعیست که در آغاز ایجاد رژیم کنونی شکل گرفت، در تداوم سالها نهادینه شد و اکنون جامعه را بصورت جدی به چالش کشیده است. تمام انواع فساد از جزئی تا سیستماتیک و کلان (فساد سیاسی - دولتی) همین اکنون در جامعه تسلط دارد و برعرصه های گوناگون زندگی مانند ابر ضخیمی سایه افکنده است.

عوامل فساد در دو بعد قابل تجسس اند. عوامل اصلی را می توان در پیوند با شرایط داخلی که ریشه در چگونگی پیدایش رژیم پساطالبان دارند دریافت. بعد سرمایه گذاران خارجی نیز به نوبه خویش در بکارگیری پولهای امدادی، حسن نیت و مسئولیت حسابداری را آنگونه که در نظام مالی کشورهای دونرمعمول است کاملاً رعایت نکردند.

اما نخست عوامل داخلی:

بعد از تشکیل حاکمیت کنونی بوسیله کنفرانس بن زمام امور اداره کشور را عمدتاً افرادی بدست گرفتند که در تاراج ثروت ملی هویت مسجل داشتند. در حقیقت پایه های حاکمیت را کسانی گذاشتند که فساد را روال عادی استفاده از قدرت سیاسی می پنداشتند، به همین دلیل فعالیت حکومت عبوری و بعد حکومت جمهوری اسلامی با سوء استفاده از مناصب دولتی برای منفعت شخصی آغاز گردید و ادامه یافت. بروز و گسترش فساد بعد از تعبیه رژیم تا اکنون از دو مرحله گذشت:

نخست نهال فساد در آغاز زمامداری حامد کرزی مبتنی برین امر که تمام دستگاه فرمانداری او متشکل از مفسدین معلوم الحال بود غرض گردید و تا پایان دوره حاکمیتش با سرعت بدون وقفه قد برافراشت. حامد کرزی نه در مقام زمامدار مسئول بلکه در جایگاه یک ناظر بی سوبه و ناکار نشست و نظاره کرد. بدین ترتیب پول هنگفتی که برای احیای نهادهای دولتی و بازسازی زیربنای اقتصادی - اجتماعی به کشور سرازیر گردید حیف و میل شد. عده ای از منادیان حکومت قبلی و کنونی خارجیان را در ترویج فساد متهم می سازند تا حقیقت را وارونه جلوه دهند. واضح است که خارجی ها نیز درین مسئله میرا از تقصیر نیستند اما در نهایت نهادهای دولتی و مسئولین آنها بودند که به مقصد فعال سازی ادارات و آموزش و پرورش پرسونل پول دریافت کردند. اگر مقداری در جهت اجرای برنامه های اصلی به مصرف رسید بیشتر آن به یغما رفت. به گونه مثال مبالغ هنگفتی برای ایجاد نیروهای دفاعی و امنیتی در اختیار رژیم قرار گرفت که اگر طعمه میل مسئولین نمی شد و همه به مقصد آموزش و پرورش حرفه ای و تامین تجهیزات لازم قوت های نظامی و انتظامی بکار می رفت بدون تردید افغانستان دارای نیروهای مسلح کارآمخته و توانمند می بود و دامن تروریزم و جنایات سالها پیش برچیده می شد. این مثال در مورد سیستم اداری و نظام قضایی نیز کاملاً صدق می نماید.

فراوان افرادی اند که بیست سال قبل روی خاک یا بوريا می زیستند ولی امروز به فیض فساد در ویلاهای مجلل زیست می نمایند و از دشواری های زندگی و درد و رنج جامعه بی خبر اند. حامد کرزی می گفت:

«پول دزدی را به خارج نفرستید، همینجا ویلا بسازید» و سارقین سرکاری هم دقیقاً همین کار را انجام می دادند. او در حقیقت چشمانش را در برابر جنایت می بست و دزدی را آشکار ترغیب می نمود، پس او را بحق می توان پدر فساد افغانستان نامید.

فساد از پی تغییر حاکمیت در سال ۲۰۱۴ و نصب اشرف غنی در مسند زمامداری، روال دیگری اختیار نمود. منابع سرقت که در حکومت حامد کرزی ظهور نمودند در آغاز دهه دوم سده جاری به تدریج نضج یافتند و شبکه ای به اشتراک نهادهای مالی دولتی و سیستم بانکداری خصوصی را بوجود آوردند. حالا دیگر پولی را که افراد از کیسه دولت می بریدند در تباری با بانک های خصوصی به دوران می آوردند و یا در بانک های کشور های عربی ذخیره می نمودند. این سناریو همینگونه تا امروز دامه دارد.

اشرف غنی در شروع کارش وعده مبارزه علیه فساد سپرد اما برنامه مشخصی درین زمینه ارائه نکرد. او صرفاً تلاش ورزید با صدور فرامین و دساتیر یا به عبارت دیگر با اتخاذ تدابیر بیروکراتیک و غیر موثر مانع گسترش فساد گردد که به نتیجه نرسید. چنین روش بدلائل نمادین بودن آن نمی توانست نتیجه دهد.

کشورهای خارجی بویژه امریکا و اتحادیه اروپا برحکومت جدید فشار وارد می نمودند تا بر ضد فساد دست بکار شود بناً اشرف غنی ناگزیر به صدور فرامین میان تهی متوسل گردید بی آنکه پیرامون برچیدن دامنه فساد بصورت جدی بیندیشد. برای نابودی فساد سیاسی - دولتی باید رشته های آنرا که در تن نظام و ساختارهای اداری - قضایی آن با تمام پهنا و ژرفا پیچیده اند قطع کرد و ادارات دولتی بخصوص رده های متوسط و بالای آنرا از وجود مفسدین عاداتی تصفیه نمود، امریکه در نهایت به تصفیه دولت از جهادی ها و قشر بیروکراتیک فاسد تشکل یافته در دو دهه اخیر می انجامید. طبیعی است که چنین اقدام بوسیله زمامدار بی کفایت و فاقد مشروعیت مردمی مانند اشرف غنی ناممکن به نظر می رسید، لذا سعی نمود تا «هم لعل بدست آید و هم دل یار نرنجد» که بدینوسیله او نیز به مدیر عامل این معضله بزرگ اجتماعی مبدل شد. سرانجام فساد نه تنها در وسعت گذشته حفظ گردید بلکه افزایش بیشتر یافت. به پندار سازمان شفافیت بین الملل، در دوسال اخیر هیچگونه پیشرفتی در مبارزه علیه فساد در افغانستان صورت نگرفته است و این کشور مانند گذشته یکی از فاسدترین کشورهای دنیا محسوب می گردد.

چند نمونه از وضع کنونی:

رشوه ستانی در زندگی روزمره یک امر عادی بشمار رفته، مردم برای اجرای کار رسمی پول می دهند و مامورین می ستانند، بدون آنکه فردی درین باره درنگی نماید، چنانچه سالیانه طبق گزارش سازمان شفافیت بین الملل بیشتر از یک میلیارد دالر رشوه می گیرند.

اشغال زمین های دولتی و اعمار منازل غیر قانونی بوسیله زورمندان درون و بیرون حاکمیت که در زمان حامد کرزی آغاز گردید همچنان ادامه دارد. تنها در شهر کابل ۷۰ درصد ساختمان های بلند منزل بدون جواز و بدون رعایت موازین شهرسازی اعمار گردیده اند. وزارت شهرسازی رژیم اعتراف می نماید که اصلاح شهرهای موجود دیگر ناممکن است، باید شهرهای جدید اعمار نمود. وضعیت زمین خواری در ولایات بد تر از کابل است.

سوء استفاده از بودجه دولتی بویژه حین عقد قراردادها با شرکت های خصوصی در هیچ مرجعی مورد بازرسی قرار نمی گیرد. معامله را چنان ماهرانه سازمان می دهند که ظاهراً سوالی بر نمی انگیزد. هنگامیکه یک عضو

خانواده در مقام دولتی صاحب صلاحیت و عضو دیگر در راس شرکتی قرار دارد، پول دولت به راحتی به حساب خانواده انتقال می یابد. ازین طریق صدها میلیون دالر از بودجه دولت غارت شده است. اشرف غنی برای جلوگیری از خرید و فروش مناصب دولتی که در حکومت حامد کرزی مروج بود سیستم رقابتی در استخدام کادرها را با پیروی از کشورهای غربی وضع نمود. این روش تا اکنون در استخدام کادرهای دارای صلاحیت اجرایی به دلیل ژرفای ریشه های فساد اداری اثرگذار نبوده است. پست های دارای اهمیت مانند گذشته با رشوه یا واسطه اشغال می گردند. اختلاس های کلان بانکی، پول شویی، انتقال غیرقانونی پول به بانک های خارجی نیز جزء معاملات روتین در نظام مالی کشورند.

در پیدایش و گسترش فساد در افغانستان کشورهای خارجی نیز مقصرند. بویژه توسعه فعالیت انجوها در زمان حکومت حامد کرزی نقش منفی در زندگی اقتصادی کشور ایفا نمود. کشورهای کمک کننده به انجوها پول می دادند و آنها بدون برنامه دقیق عمرانی و بدون نظم حسابداری، با متنفذین و زورمندان محلی وارد معامله شده پروژه های راه اندازی می نمودند که نتایج ثمربخشی بار نمی آوردند. ازین پروژه ها تنها متنفذین و زورمندان سود بردند. به اساس گزارش سیگار - نهاد بازرسی ویژه امریکا برای افغانستان، کمک ها بجای اینکه در جهت منفعت ملت خرج شوند، بدست افراد افتادند. خارجی ها بدون توجه و اعتنا به نهادهای رسمی با افراد قرارداد می بستند.

کمک کننده های خارجی در کنار مفسدین داخلی با استفاده نادرست از پول های امدادی در واقع سبب ترویج فساد گردیدند. به همین دلیل تا اکنون گزارش دقیقی از کمک های پولی کشورهای خارجی برای افغانستان وجود ندارد. اگر کشورهای کمک کننده مقدار پول سرازیر شده به افغانستان در ۱۹ سال گذشته را که مشمول میلیاردها دالر می شود علنی سازند باید به مردم خویش مجرای مصرف آنرا نیز حساب دهند. چون بخش بزرگی ازین پول را به هدر دادند نمی توانند گزارش دهند بنائاً خاموشی و پنهان کاری اختیار می نمایند.

رژیم حاکم طوری در دام پدیده فساد گیر افتاده است که رهایی از آن در وضعیت کنونی محال به نظر می رسد. مرز بین مالکیت عمومی و شخصی ناپدید شده است. آنانی که از راه صلاحیت دولتی به مالکیت عمومی دسترسی دارند آنرا مال خود می دانند و از آن به عنوان مالکیت خود استفاده می برند. افرادی که در اجرای خدمت صداقت نشان می دهند تمسخر و تحقیر می شوند چون رفتار آنها با روال حکومتداری متداول همسان نیست.

فساد در افغانستان اکنون دیگر جامه فرهنگ به تن کرده است. برای تغییر این فرهنگ به تحول ماهوی نظام نیاز است و الا باید با آن ساخت و زیست.